

«جرم» و کیفر آن در ایران باستان

• جرم و کیفر آن در ایران باستان قسمت اول – دوران اوستایی

• قسمت دوم – در دوره ساسانیان

• ماخذ و منابع

جرم و کیفر آن در ایران باستان

به قلم: دکتر محمود نجم آبادی*

قسمت اول – دوران اوستایی

امروزه امر پزشکی قانونی و کیفر مجرمین در عالم پس از گذشت چند هزار سال از تمدن بشری بصورتی در آمده که طبیب و قاضی در برابر جرم تکلیف خود را میدانند.

در قوانین جزای هر کشوری برای انواع جرم کیفرهایی در نظر گرفته شده است، منتهی آنکه در بسیاری از کشورها درباره قتل در حقوق جزا صورت عمومی بدان داده و کیفر آن اعدام است.

اما موضوع کیفر افراد در برابر ضایعات وارده به بدن دیگری در اوستا ضمن باب چهارم ویدیوداد (که عموماً آنرا ونیدیداد میگویند) دستورهای چندی آمده از فقره (۱۷) تا (۴۳) و تکلیف افراد را معین داشته است. حال بطور خلاصه فقراتی چند از باب چهارم و نیدیداد را درباره جزای جرم متذکر می‌گردیم:

فقره هفدهم باب چهارم و نیدیداد درباره تعریف جرم است. بدین معنی اگر کسی به شخصی سلاح (بمانند شمشیر یا نیزه یا خنجر یا غیر آنها) بلند کرد و وی را بترساند، نام چنین عمل، جرم بلند کردن است و اگر بطرف شخصی برود اما زخم نزنند نام آن جرم رو بزخم و اگر بانیت سوء و کینه شخص را بزنند نام آن جرم زخم آور است که پس از پنج مرتبه چنین عملی را شخص مرتکب گردد، بدن مجرم پر از گناه شود.

فقرات هیجدهم تا بیست و یکم از باب چهارم و نیدیداد، کیفر فردی است که جرم اولی (یعنی جرم بلند کردن سلاح) مرتکب شود. خلاصه آنها چنین است که زرتشت از اهورامزدا در این باره سوال می‌نماید. اهورا مزدا در پاسخ تکلیف را معین می‌نماید، بدین شکل:

«برای بار اول ده ضربت با تازیانه (یا سیخ یا تازیانه اسب دوانی)، برای بار دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم بترتیب بیست و سی و شصت و صد و یکصد و چهل و یکصد و هشتاد ضربه، برای بار هشتم (اگر برای بارهای اول حد نخورده باشد)، آن شخص سراپا مجرم و چهار صد ضربه باید با و زده شود. اگر شخص جرم را مرتکب شده باش دو از حد گریخته باشد سراپا مجرم و باید چهار صد ضربه با و زده شود.»

اما درباره جرم رو بزخم در فقرات بیست دوم تا بیست و پنجم از همان باب کیفر آن چنین آمده است:

«برای بار اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم بترتیب بیست و سی و شصت و صد و یکصد و چهل و یکصد و هشتاد ضربه باید بمجرم زده شود. اگر بار هفتم مجرم همان جرم را مرتکب گردیده و برای دفعات سابق حد نخورده باشد سراپا مجرم و یا از حد خوردن بگریزد چهار صد ضربه کیفر اوست.»

در مورد ضربت زخم آور در فقرات بیست و ششم تا بیست و نهم چنین آمده است:

«کیفر ضربت و جرم زخم آور برای دفعه اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم بترتیب سی و شصت و صد و یکصد و چهل و یکصد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و اگر بارششم مجرم مرتکب جرم بالا گردید و دفعات قبل حد نخورده یا از کیفر آن گریخته باشد چهارصد، ضربه کیفر اوست.»

«اما کیفر زخم خطرناک برای بار اول و دوم و سوم و چهارم بترتیب شصت و سیدو یکصد و چهل و یکصد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و اگر مجرم بار پنجم مرتکب زخم خطرناک شد و برای بارهای قبلی حد نخورده بود آن شخص سراپا مجرم و باید چهارصد ضربه با و زده شود و اگر مرتکب جرم فوق شده باشد و از حد خوردن گریخته باشد سراپا مجرم و باید چهارصد ضربه بخورد.» (فقرات سی و یکم تا سی و سوم باب چهارم و نداد)

«کیفر زخمهایی که از آن خون جاری شود برای بار اول و دوم و سوم بترتیب صد و یکصد و چهل و یکصد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و اگر بار چهارم شخصی مرتکب جرم بالا شده و حد نخورده و یا آنکه از حد گریخته باشد، کیفرش چهارصد ضربه است.» (فقرات سی و ام تا سی و چهارم باب چهارم و نداد)

کیفر زخمهایی که از آن خون جاری شود، برای بار اول و دوم و سوم بترتیب صد و یکصد و چهل و یکصد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و اگر بار چهارم شخصی مرتکب جرم بالا شده و حد نخورده و یا آنکه از حد گریخته باشد، کیفرش چهارصد ضربه است فقراتی و چهارم تاسی و ششم باب چهارم و نداد) «

«اما کیفر زخمهای استخوان شکن برای بار اول و دوم بترتیب یکصد و چهل و یکصد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و اگر برای بار اول حد نخورده باشد ، یا آنکه اصولاً از حد گریخته باشد سزایش چهار صد ضربه است.» (فقرات سی و هفتم تا سی و نهم باب چهارم و نداد)

«کیفر فردی که بشخص زخم بیهوش کننده بزند برای بار اول یکصد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و اگر در دفعه اول حد نخورده باشد یا از حد گریخته باشد سراپا مجرم و باید چهارصد ضربه با و زده شود.» (فقرات چهل تا چهل و دوم باب چهارم و نداد)

«آنگاه که مجرمین برای عمل خودشان رسیدند (یعنی حد خوردند)، می‌توانند در راه و روش پارسائی و کلام الهی (مقصود نماز و دعاها دینی است) با مومنین شرکت نمایند.» (فقره چهل و سوم باب چهارم و نداد)

بطور خلاصه اغلب فقرات باب چهارم و نداد در باره مجازات در طب قانونی است.

غیر از مواد بالا باز هم در کتب دینی زرتشتیان کیفرهایی درباره مجرمین آمده است که اگر بخواهیم بذکر همه آنها بپردازیم مطلب بدرازا کشد.

قسمت دوم – در دوره ساسانیان

در دوران ساسانیان انواع جرم مستلزم مکافات بود و بر حسب درجات (البته از نظر آنان و باعتبار زمان) این کیفرها اجراء می‌گردید.

اکنون آن قسمت از کیفرها که از نظر طبی مخصوصاً پزشکی قانونی دانستن آنها مفید بنظر می‌رسد بنظر خوانندگان مجله می‌رسانم:

از کیفرهایی که در آن دوران مجری بود، کیفر اعدام است و آن در مورد هر فردی بوده که بدعتی در دین ایجاد کند و یا آنکه نسبت به برادر دینی ظلمی روا دارد که به موجب میزان ظلم از تنبیهات مختلف تا اعدام روا می‌داشتند. مجازات قتل و زنا و یا تهدید بدانها شدید بود. جادوگران را اعدام می‌نمودند.

دیگر از کیفرهای معموله آن زمان کور کردن (با میله سرخ بمانند کور کردن در دوران صفویه) و ریختن روغن داغ در چشم و کندن پوست و آکندن آن با گاه (چنانکه در مورد مانی عمل گردیده است)، گردن زدن با شمشیر و رجم (سنگسار کردن) و دار زدن و یا زیر پای پیل نهادن، و آویختن اشخاص بانگشت بنصر، تازیانه زدن، سرب مذاب در چشم و گوش ریختن، زبان کندن، فرو کردن جوالدوز در چشم، ریختن سرکه و خردل در دهان و چشم و سوراخ‌های بینی، سوراخ کردن گردن و بیرون آوردن زبان از آن سوراخ، آتش زدن، حبس افراد در امکانه‌ای که در آن موش و یا حیوانات موزیه دیگر گذارده بودند و امثال آنها بوده است. از همه این مجازاتها بالاتر و سخت تر مجازات نه مرگ است که میرغضب ابتدا انگشتان دست و پا و سپس مچ دست و پا، بعد از آن دست را تا آرنج و پا را تا زانو و آنگاه گوش و بینی و بالاخره سر را می‌برید. این مجازات‌های بسیار وحشتناک در آن دوران بوده است (نقل از کتاب ایران در دوره ساسانیان)

بنا بر سطور بالا معلوم شد که بر حسب اهمیت جرم مکافات و کیفر آن مختلف بوده است.

در دوران ساسانیان به نکته‌ای برمی‌خوریم که شایان دقت است و آن اینکه قضات چون بسیار محترم و شغل قضا بسیار ارجمند بود، هرگاه فردی از قاضی شکایت داشت که قاضی مطلب مشکوکی را یقین یا بالعکس جلوه داده است، شکایت نماید اگر نسبت به تقصیر یا بی‌تقصیری متهمی قاضی شک داشت امتحان بعمل می‌آمد. امتحان مزبور دو نوع بود اول امتحان گرم و دوم امتحان سرد.

امتحان گرم یا «ورگرم» بقراری بود که شخص مدعی و یا مورد اتهام از وسط آتش که با وضع و ترتیب خاصی با هیزم با چوب برسم تهیه شده بود می‌گذشت و یا فلز آب شده را بر سینه خود میریخت.

امتحان سرد یا «ورسرد» که بوسیله شاخه‌های چوب مقدس بعمل می‌آمد.

یا نوشیدن آب گوگردی (گوگرد آلود) بوده است، اگر متهم بدون آسیب از بوته بیرون می‌آمد، تبرئه می‌شد و به اصطلاح از امتحان خوب بیرون می‌آمد، و الا مجرم بود و باید به سزای عمل خود برسد.

از موضوعات مهم که در طب دوران ساسانیان دیده می‌شود، تجربه و آزمایش بر روی انسان بوده است، بدین معنی که مجرمین و جانیان و آنان که مستحق اعدام بوده، جهت استفاده طبی زنده نگاه می‌داشتند.

چنین بنظر میرسد که امتحان و تجربه بر روی انسان در دوران بطاله نیز در مصر معمول بوده است.

ماخذ و منابع:

- ۱- امپراطوری ساسانیان (آرتور کریستین سن) کپنهاک ۱۹۰۷ میلادی.
- ۲- ایران باستان (حسن پرنیا، مشیر الدوله)، سه جلد تهران ۱۳۱۱ شمسی.
- ۳- ایران در زمان ساسانیان آرتور کریستن سن، (ترجمه رشید یاسمی) چاپ سوم، تهران ۱۳۳۲ شمسی.

۴- تاریخ ایران قدیم، (یوستی فردیناند Yusti Ferdinand) برلین ۱۸۷۹ میلادی.

۵ - تاریخ تمدن ایران ساسانی (سعید نفیسی) ، انتشارات دانشگاه جلد اول (شماره ۱۴۱) جلد دوم (شماره ۱۹۵)

۵ - تاریخ تمدن ایران ساسانیان (سعید نفیسی) ، انتشارات دانشگاه و اشماره ۱۴۱ - ۱۳۳۱ شمسی، ج ۲ شماره ۱۹۵

۶- تاریخ طب ایران ج ۱ (دکتر محمود نجم آبادی تهران)، ۱۳۴۱ شمسی.

۷- وضع ملت و دولت و دربار شاهنشاهی ساسانیان، (تالیف پرفسور آرتور کریستینس، ترجمه و تحریر مجتبی مینوی) تهران ۱۳۱۴ شمسی.

۸- وندیداد ترجمه (سید محمد علی داغی الاسلام)، بمبئی، ۱۹۴۸ میلادی

* محمود نجم آبادی (۱۳۷۹-۱۲۸۲) طبیب، نویسنده، مترجم، استاد دانشگاه و روزنامه نگار و محقق و مورخ ایران در عرصه پزشکی بود.

منبع: مجله پزشکی قانونی ایران سال اول، مهر ۱۳۴۴ - شماره ۲

یک قاضی